

در پی درج مقاله‌ی «اومبرتو اِکو و اسپرانتو» در شماره‌ی ۱۰ پیام سبزاندیشان (سال سوم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۷-۴)، و استقبال و کنج‌کاوی خوانندگان عزیز در مورد آرا و نظرات پروفیسور اِکو، سمیولوژیست یا نشانه‌شناس بزرگ ایتالیایی، درباره‌ی زبان بین‌المللی اسپرانتو، در این شماره ترجمه‌ی قسمت‌هایی از فصل ۱۶ کتاب «جستجو برای زبان کامل» نوشته‌ی اومبرتو اِکو، نویسنده‌ی زمان مشهور نام‌گل سرخ آورده می‌شود. این کتاب که به زبان ایتالیایی نگاشته شده، تا به حال به زبان‌های متعددی، از جمله اسپرانتو ترجمه و منتشر شده است. ترجمه‌ی زیر از چاپ اسپرانتوی این اثر صورت پذیرفته است. توضیحات داخل آکولاد {} از مترجم است.

## اومبرتو اِکو:

# جستجو برای زبان کامل

ترجمه: احمد رضا ممدوحی

فضای همبستگی‌زایی صحبت می‌کند، که هنگام حرف زدن به این زبان مشترک با افرادی که از اقوام دیگر هستند، احساس کرده است، و نیز به کیفیت‌هایی می‌پردازد که این «زبان زنده ...» که از قابلیت انعطاف اعجاب‌انگیزی در نحوه‌ی بیان مطالب برخوردار است، و در عین حال دارای ساختاری بسیار ساده است. (Schilpp ۱۹۶۳: ۷۰) و باید این اظهارنظر تکان دهنده‌ی آنتون میله (Antoine Meillet) را نیز اضافه کنیم که: «Toute discission théorique est vaine: L'Esperanto fonctionne» (تمامی بحث‌های نظری بیهوده است: اسپرانتو در عمل در حال کار کردن است). (Meillet ۱۹۱۸: ۲۶۸)

در جهت اثبات موفقیت اسپرانتو، امروزه سازمان جهانی اسپرانتو (Universala Esperanto-Asocio) با نمایندگانی در شهرهای اصلی جهان وجود دارد. مطبوعات اسپرانتو دربردارنده‌ی بیش از یک‌صد مجله است، و مهم‌ترین آثار تمامی ادبیات جهان، از کتاب مقدس گرفته تا افسانه‌های اندرسن، به زبان اسپرانتو ترجمه شده است، درحالی‌که در این زبان تولید آثار ادبی اصیل

اسپرانتو

۱۸

39

زبان اسپرانتو (Esperanto) برای نخستین بار در سال ۱۸۸۷ به دنیا عرضه شد، هنگامی که دکتر لازار لودویک زامنهوف (Lejzer Ludwik Zamenhof) کتاب‌چه‌ای را به زبان روسی تحت عنوان زبان بین‌المللی (Internacia Lingvo)، پیش‌گفتار و کتاب جامع آموزشی (Antaŭparolo kaj plena lernolibro، برای روس‌ها (por rusoj) در ورشو و چاپ‌خانه‌ی کِلتر (Kelter) منتشر ساخت. نام اسپرانتو به این خاطر برای این زبان در جهان انتخاب شد، که مؤلف این کتاب، از اسم مستعار دکتر اسپرانتو برای خود استفاده کرده بود. ...

افراد برجسته‌ی متعددی از اسپرانتو حمایت کردند یا با آن هم‌سو بودند، زبان‌شناسانی مانند باودین د کورتنی (Baudoin De Courtenay) یا اُتو پِسرین (Otto Jespersen)، دانشمندانی مثل پیانو (Peano) یا فیلسوفانی همانند راسل (Russell). یکی از متقاعدکننده‌ترین صداها متعلق به کارناپ (Carnap) است، که در زندگی‌نامه‌ی خود نوشته‌اش با هیجان زیادی از

مختلف قادر به بازشناختن آن هستند:

(غیرترجمه) نیز وجود دارد. ...

## دستور زبان بهینه‌شده

الفبای اسپرانتو، که شامل ۲۸ حرف است، بر اساس اصل

Buch	آلمانی	کتاب	Bücherei	کتاب‌خانه
pharmacon		دارو	pharmakeia	داروخانه
re	ایتالیایی	شاه	regina	ملکه
gallo	اسپانیایی	خروس	gallina	مرغ
héros	فرانسوی	قهرمان	héroïne	قهرمان زن
tsar	انگلیسی	تزار	tsarina	تزارین (تزار مؤنث)

شباهت واژه‌ی رُز یا گل سرخ				
در زبان‌های گوناگون				
اسپرانتو	لهستانی	هلندی	اسپانیایی، ایتالیایی	فرانسوی، اسپانیایی، آلمانی، انگلیسی
rozo	róza	roos	rosa	rose

{همان‌طور که مشاهده می‌شود، اصل کلمه‌ی رُز از زبان فارسی بوده و از فارسی وارد زبان‌های دیگر شده است.} از همین‌جا مشخص بود که اسپرانتو زبانی تجربی خواهد بود و در پی آن، هنگامی که ریشه‌ی مشترکی در بین زبان‌های متعددی یافت نمی‌شد، زامنهوف دست به انتخاب واژگان بر طبق معیار توزیعی زد، با ارجحیت دادن به زبان‌های لاتینی نو، و پس از آن به ترتیب زبان‌های ژرمنی نو و زبان‌های اسلاو. در نتیجه‌ی این کار است، که هنگام مواجه شدن با واژگان اسپرانتو، متکلم هر زبان اروپایی درخواهد یافت که: (۱) بسیاری از کلمات قابل بازشناختن است، چرا که یا در زبان مادری او وجود دارد یا خیلی شبیه با آن است؛ (۲) برخی از کلمات بیگانه، به‌نحوی برای او آشناست؛ (۳) بعضی از لغات در نگاه اول قابل فهم نیست، اما پس از فراگیری معنی آن، آشنا از آب درمی‌آید؛ و بالاخره (۴) تعداد اندکی از واژه‌ها اصلاً آشنا نیست و باید آن‌ها را فراگرفت. چند مثال می‌تواند این معیارهای انتخاب واژه را نشان دهد:

افتادن، سقوط کردن	fali	زنبورعسل	abelo
یخبندان، سرما	frosto	نزدیک	apud
دود	fumo	پرده (نمایش)، آکت	akto
سگ	hundo	(چوب) کبریت	alumeto
گره	kato	پرند	birdo
مداد	krajono	سیگار(ت)	cigaredo
چهار	kvar	خانه	domo

لغات ترکیبی یا پیوندی به حد کفایت زیاد است. زامنهوف

”برای هر حرف یک صدا، برای هر صدا یک حرف“ بنا

heurex	بسته	malheurex	باز
rostom	بلند، مرتفع	malo-rostom	کوتاه، پست

نهاده شده است. آکسان یا تکیه‌ی صدا همیشه بر روی سیلاب یا بخش ماقبل آخر کلمه است. حرف تعریف فقط یک شکل دارد، بنابر این گفته می‌شود:

la abelo	la libroj	la homo
زنبور عسل	کتاب‌ها	انسان

{چنان‌چه اسمی بدون حرف تعریف بیاید، نکره است، مثل: homo (انسانی یا یک انسان)، libroj (کتاب‌هایی)، abelo (زنبوری یا یک زنبوری)}  
اسامی خاص نمی‌تواند با حرف تعریف بیاید. حرف تعریف نامعین وجود ندارد.

درباره‌ی واژگان، از همان زمان مکاتبات جوانی، زامنهوف به این نکته اشاره می‌کند، که در زبان‌های اروپائی زیادی هم شکل مؤنث کلمات و هم اشتقاق‌های مختلف دیگری از نظام پسوندی پیروی می‌کند:

درحالی‌که کلمات متضاد از نظام پیشوندی پیروی می‌کند (به‌عنوان مثال، در زبان روسی):

در نامه‌ای به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۸۷۶ زامنهوف به توصیف این می‌پردازد که فرهنگ لغات زبان‌های گوناگون را با دقت ورق می‌زده تا تمام واژگانی را بیابد، که دارای ریشه‌ای مشترک است، و در نتیجه متکلمین زبان‌های

ایتالیایی است، باید برای چهار مفهوم متفاوت زیر، چهار واژه‌ی مختلف را فرا گیرد؛ در صورتی که در زبان اسپرانتو با استفاده از ریشه‌ی *-patr* (و بدون استفاده از لغت‌نامه) می‌توان چهار واژه‌ی هم‌خانواده‌ی زیر را فراساخت:

مفهوم	واژه‌های کاملاً متفاوت	واژه‌های هم‌خانواده‌ی
	ایتالیایی	اسپرانتو
پدر	padre	patro
مادر	madre	patrino
پدرزن، پدرشوهر	suocero	bopatro
پدر و مادر(ها)، والدین	genitori	gepatroj

{همان‌طور که مشاهده می‌شود، واژه‌های فارسی نیز برای بیان مفاهیم فوق کاملاً متفاوت است.}

بهره‌گیری قانون‌مند از پیشوندها و پسوندها مهم است. در زبانی مانند ایتالیایی، همان‌طور که میلیورینی می‌گوید (۳۴: ۱۹۸۶ Migliorini)، دو واژه‌ی *candel-iere* و *trombett-iere* (شیپورچی) و *ist* (شمع‌دان) بیان‌گر دو مفهوم کاملاً متفاوت است (با آن که هر دو دارای پسوندی واحد است)، درحالی‌که در مواردی دیگر، مفاهیمی مشابه توسط پسوندهای گوناگون بیان می‌گردد:

انواع شغل‌ها	واژه‌های کاملاً متفاوت	واژه‌های هم‌گون
	ایتالیایی	اسپرانتو
کفاح	calzolaio	ŝuisto
شیپورچی	trombettiere	trumpetisto
تاجر، بازرگان	commerciante	komercisto
دندان‌پزشک	dentista	dentisto
حکاک، قلم‌زن	scalpellino	ĉizisto

{همان‌طور که مشاهده می‌شود، واژه‌های فارسی نیز برای بیان شغل و حرفه کاملاً متفاوت است.}

در اسپرانتو، برعکس، همه‌ی مشاغل یا حرفه‌ها با پسوند *-ist* ساخته می‌شود، برای مثال، هنگامی که شخص با واژه‌ی *dentisto* (دندان‌پزشک) روبرو می‌شود، شک نخواهد داشت که معنی این کلمه، شغلی (-) *ist* است در ارتباط با دندان (*dent-*).

نحوه‌ی ساختن صفت، که به‌گونه‌ای قانون‌مند با افزودن پایانه‌ی *-a* به ریشه انجام می‌شود، آسان و اشرافی است:

احتمالاً معیارهای زبان‌های نظری یا انتزاعی را در نظر نداشته است، در این زبان‌ها ترکیب یا پیوند یک قاعده است، زیرا هر کلمه باید - اجازه بدهید که چنین بگوییم - فرمول شیمیائی خود را نشان بدهد. اما به‌عنوان معیاری تجربی، او استفاده از زبان‌های طبیعی را پیش روی خود داشت، که در آن‌ها کلماتی مانند *schiaccianoci* (فندق‌شکن، در ایتالیایی)، *tire-bouchons* (چوب‌پنبه‌کش، در فرانسوی) و *man-eater* (آدم‌خوار، در انگلیسی) بسیار زیاد وجود دارد، تازه اگر نخواهیم به زبان آلمانی اشاره کنیم (که مالا مال از واژه‌های ترکیبی است). اسپرانتو با داشتن امکان فراساختن کلمات ترکیبی یا پیوندی - که انجام آن غالباً میسر است - حداکثر استفاده از تعداد ریشه‌های محدود را ممکن می‌سازد. قاعده این است که واژه‌ی اصلی پس از واژه‌ی درجه‌ی دو قرار می‌گیرد: هنگامی که می‌خواهیم توجه را به میزی (*tablo*) جلب کنیم که برای نوشتن و تحریر (*skribo*) استفاده می‌شود، می‌گوییم *skribotablo* (میزتحریر). انعطاف‌پذیری ترکیب در لغات پیوندی، آفرینش نوآوری‌ها یا نوواژه‌هایی (*neologismoj*) را میسر می‌گرداند، که {معنی آن} بلافاصله قابل درک است. (Zinna ۱۹۹۳)

برای به‌وجود آوردن شکل خنثی، پایانه‌ی *-o* را پس از ریشه قرار می‌دهیم، که برخلاف چیزی که معمولاً تصور می‌شود، پسوند مذکر نیست، بلکه نشان‌دهنده‌ی اسم مفرد است، بدون مشخص کردن جنسیت آن. برعکس، شکل مؤنث را با قرار دادن پسوند *-in* بین ریشه و پایانه، فرامی‌سازیم:

reg.o	شاه، پادشاه	reg.in.o	ملکه
poet.o	شاعر	poet.in.o	شاعره
ĉeval.o	اسب	ĉeval.in.o	مادیان (اسب ماده)

برای جمع بستن کافی است پایانه‌ی *-j* را به حالت مفرد اضافه کنیم:

regoj	شاه، پادشاه	reĝoj
poetoj	شاعر	poetoj
ĉevaloj	اسب	ĉevaloj

در زبان‌های طبیعی برای هر مفهوم، واژه‌ای کاملاً متفاوت وجود دارد. به‌عنوان مثال، کسی که مشغول فراگیری زبان

جمله‌ی غیرحرکتی      جمله‌ی حرکتی  
 (مقصد حرکت حالت مفعولی ندارد)      (مقصد حرکت حالت مفعولی دارد)  
 La birbo flugas en la      La birbo flugas en la  
 ĝardenon.      ĝardeno.  
 پرنده در (داخلی) باغ پرواز می‌کند.      پرنده به‌سوی (درون) باغ پرواز می‌کند.

به‌عنوان مثال، مفهوم چنین جمله‌ای در زبان ایتالیایی مبهم باقی می‌ماند (معلوم نمی‌شود که آیا پرنده‌ی در حال پرواز الان در باغ است یا بیرون آن).  
 در زبان فرانسوی جمله‌ی زیر دو معنی کاملاً متفاوت دارد (درحالی‌که در اسپرانتو وجود حالت مفعولی n-هرگونه ابهامی را از بین می‌برد):

Je l'écoute mieux que vous.  
 من (صدای) او را بهتر از (آن‌که) شما (صدای) او را بهتر از (صدای) شما می‌شنوم.  
 من (صدای) او را بهتر از (آن‌که) شما (می‌شنوید) می‌شنوم.

Mi aŭskultas lin pli bone ol vin.      Mi aŭskultas lin pli bone ol vi.  
 {همان‌طور که مشاهده می‌شود، جمله‌ی فارسی "من او را بهتر از شما می‌شنوم" نیز دو معنی کاملاً متفاوت دارد.}

منبع:

Eco, Umberto. La serĉado de la perfakta lingvo, el la itala tradukis Daniele Mistretta, Pisa: Edistudio, 1994, 317 p., p. 269-274.

منابع مورد استفاده اِکو:

Meillet, Antoine. Les langues dans l'Europe nouvelle, Payot: Paris 1928 (2-a eld.), 1918 (1-a eld.).

Migliorini, Buno. Manuale de Esperanto, Cooperativa Editoriale Esperanto, Milano: 1986.

Schilpp, Arthur. (zorge de), The Philosophy of Rudolf Carnap, Cambridge UP: London, 1963.

Zinna, Alessandro. Glossematica dell'esperanto, neeldonita komunikaĵo al Collège de France, Paris, 1993.

از نظر جمع و مفرد بودن و حالت فاعلی یا مفعولی نیز با اسم مطابقت می‌کند. آشکال شش‌گانه‌ی فعل، ساده شده است و - بدون آن که صرف شود - قابل تشخیص از پسوندهای متفاوت است؛ به‌عنوان مثال:

مصدر گذشته حال آینده شرطی امری  
 vid.u      vid.us      vid.os      vid.as      vid.is      vid.i  
 دیدن دید می‌بیند خواهد دید می‌دید (اگر ... ) ببینید!

همان‌گونه‌که زینا به این نکته اشاره می‌کند (Zinna ۱۹۹۳)، درحالی‌که زبان‌های نظری یا انتزاعی و دستورزبان‌های ایجاز‌گرا سعی‌شان تا حد ممکن در جهت اصل اقتصادی بود، اسپرانتو اصل بهینه‌گرایی را مد نظر داشت. به‌عنوان نمونه، علی‌رغم این‌که اسپرانتو زبانی است بدون صرف، ولی دارای حالت مفعولی (akuzativo) است، که با افزودن n-به (پایانه‌ی) کلمه ساخته می‌شود. علت این است که حالت مفعولی تنها حالتی است که در زبان‌های بدون صرف به‌وسیله‌ی حرف‌اضافه بیان نمی‌شود، و به این دلیل ضروری است تا آن‌را به‌نحوی مشخص کرد. جدا از این، زبان‌هایی که حالت مفعولی را برای اسامی از دست داده‌اند، آن‌را برای ضمایر حفظ کرده‌اند. وجود حالت مفعولی این را نیز میسر می‌گرداند، که ترتیب ترکیب (ارکان جمله) معکوس شود ولی فاعل و مفعول فعل هم‌چنان به‌سرعت قابل بازشناختن بماند.  
 از طرف دیگر حالت مفعولی به از بین بردن چندین سوءتفاهم، که در زبان‌های بدون صرف اتفاق می‌افتد، کمک می‌کند. به‌این علت که از آن (مثل زبان لاتین) برای نشان دادن حرکت نیز استفاده می‌کنند، تفاوت مفهوم دو جمله‌ی زیر (به‌راحتی) قابل تشخیص است:

## زبان اسپرانتو را با مکاتبه بیاموزید!

برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت بروشور رایگان درباره‌ی زبان اسپرانتو و دوره‌های آموزش مکاتبه‌ای آن با ما تماس بگیرید:

سبزانديشان شماره ثبت ۹۰۸۵

تهران ، صندوق پستی: ۱۸۴ - ۱۷۷۶۵